

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

فرستنده: درویش وردک

۲۴ سپتمبر ۲۰۱۵

عرفان چیست؟ عارف کیست؟

قسمت دوم

باز امام غزالی (رحمة الله علیه) می فرماید: هرگاه کشف عارف معارض کتاب و سنت بود، باید به کتاب و سنت تمسک کند، و کشف خود را نادیده بگیرد، و بگوید که خدا سعادت مراد طاعت کتاب و سنت تضمین کرده است نه درکشف والهام، پس کشف والهام باید بر کتاب و سنت عرضه شود، هرگاه مطابق بود، درست، وگرنه غلط و از القانات شیطانی است.

این بود برگزیده ای از گفتار بزرگان و مشایخ این قوم که درباره صوفی، عارف، درویش و سالک بیان داشته اند، اکنون ببینیم مدعیان دروغین چه کسانی هستند؟

همانگونه که امام غزالی (رحمة الله علیه) گفتند، سالک راه حق اندک و مدعیان دروغین بسیار اند.

واسفا!! این مکتب حق و حقیقت عرفان، این مکتب خداگرایی و دنیا بیزاری، این طریقه تهذیب اخلاق و تزکیه نفس، این مسلک صفا و صدق، بدست مدعیانی دنیا دوست در طول تاریخ رنگ باخت و زهد و تقوی به ریب و ریاء، تزکیه به تزئین، تهذیب به تذهیب، خداپرستی به دنیا دوستی، صفا و صدق به کید و رنگ، طاعت به عادت بدل شد، و کسانی عهده دار این مهم شدند که نه از کتاب بهره ای داشتند، و نه از سنت رسول، که بنا گفته بزرگان قوم دورکن اساسی این طریق است، خبری، روی همین اصل عرفان و تصوف، از زمانهای دوردشمنانی پیداکرد، و در رد آن کتابهای نوشته شد، سخنهای ایراد گردید، عرفان را مکتب تن آسائی و بی بند و باری و سر بار جامعه معرفی کردند، حتی تاجائیکه بعضی از منتقدان بنا به رفتار مدعیان دروغین عرفان را مکتب الحادی می دانستند.

مولانا جلال الدین بلخی (رحمة الله علیه) در شاهکار عرفانی خود، کتاب مثنوی، از دست این مدعیان به فریاد است، و بابیانی شیرین و لطیف از آنها انتقاد می کند، که این متظاهران در یوزه گر آلوده دامن صوفی نما، در شکل وزی درویشان صادق درآمد، و بوجود خود مکتب را آلوده کرده اند، بدیهی است که در اویش پاکدل و صوفیان باصفا از اینگونه شیادان ریاکار و ملحد، دوری می جویند.

همسری با انبیاء برداشتند اولیاء را همچو خود پنداشتند
گفتند اینک ما بشر اینان بشر ما و ایشان بسته خوابیم و خور
این ندانستند ایشان از عمی هست فرقی در میان بی منتها
هر دوگون زنبور خوردند از محل لیک شدزان نیش وزین دیگر عمل
هر دونی خوردند از یک آخور این یکی خالی و آند یگر شکر
صد هزاران اینچنین اشباه بین فرقشان هفتاد ساله راه بین

زر قلب وزرنیکو در عیار بی محک هرگز ندانی ز اعتبار
چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هردستی نباید داد دست
زانکه صیاد آورد بانگ صغیر تا فریبد مرغ را آن مرغ گیر
بشنود آن مرغ بانگ جنس خویش از هوا آید بیابد دام و نیش
حرف درویشان بدزد مرددون تا بخواند بر سلیمی زان فسوس
کار مردان روشنی و گرمی است کار دوان حیل و بی شرمی است
(مثنوی دفتر اول)

از اشعار انتقادی مولانا درک می کنیم که این مدعیان دروغین مربوط به زمان و عصر خاصی نیستند، بلکه در هر دوره و زمانی وجود داشته و دارند، همانگونه که مولانا در حدود هفتصد سال پیش این ناله را سر داده است و زبان به انتقاد و خرده گیری گشاده است.

بطوریکه قبلاً اشاره شد، پیدایش مخالفان عرفان نیز از نمان جاسر چشمه گرفته است، وگرنه چه کسی ریاکار این است که صفای قلب و باطن، حقیقت و حقیقت جوئی، و عشق بخدار امنکر شود، صفا و صدق را نادیده انگارد، آیا جنید ها، شبلی ها، بایزید ها، عبدالقادرها، غزالی ها و مولاناها (رضی الله عنهم اجمعین) را که می تواند انکار نماید؟ که راتوان آنست که مکتب حق جوئی و حق گوئی آنا را باور نداشته باشد؟ که میتواند بگوید آنچه که این بزرگان در راه تنویر افکار عامه و ارشاد خلق الله بر مبنای کتاب و سنت، رنج برده اند و کوشش کرده اند، درست نیست؟ آری، لبه تیغ منکران متوجه کسانی است که از طریق آنان برکنارند، و از روش و رفتار ایشان بدور.

پس اکنون مناسب است که خدماتی که صوفیه و مکتب عرفان به جامعه اسلامی نموده اند، به نقل از کتاب «ارزش میراث صوفیه، تألیف آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب» مطالبی بیان شود.

در حقیقت با وجود ایرادهائی که بر صوفیه گرفته اند، و بعضی از آنها نیز وارد است، این طایفه در تعدیل حساسات فرق و مذاهب، در جلوگیری از افراطهای رایج در ادوار گذشته و مخصوصاً در ترویج آزادگی و حریت فکر، تأثیر و نفوذ قطعی داشته اند. در دوره ای که فتوحات اسلام خاتمه یافته بود و بسبب ضعف و فتور سلاطین موسوم به خلیفه، غزوه جهاد و درامر نشر اسلام توفیقی نداشت، متصوفه در ترویج اسلام اهتمام کردند، چنانکه تأثیر وجود مشایخ چشمتیه، شطاریه و نقشبندیه در نشر و بسط اسلام بین هندوان و اقوام مالزیائی به مراتب بیش از تأثیری بود که غازیان و مجاهدان سابق در این مورد داشتند، ترویج روح برادری، در میان مسلمین و تمسک به اخوت واقعی و رعایت مواساة و ایثار نیز از اموری است که رنگ خاصی به تربیت صوفیه و تشکیلات سلاسل و خانقاه های آنها داده است.

در اخبار این قوم آمده است که یاران طریقت، دوستان را در بهره مندی از مال بر خود مقدم می داشتند. و اهتمام آنها در نهی از منکر و امر بمعروف بسیار بوده است، همچنین نقشبندیه در نشر و ترویج اسلام بین اقوام تاتار و ازبک تأثیر بارز داشته اند، قادریه و تیجانیه در افریقا خاصه در حدود سودان، سنگال، نیجریه نفوذ و تأثیر بسیار در نشر اسلام داشته اند.

در کار امر بمعروف و نهی از منکر گاه چنان اهتمام داشته اند، که مکرر در معارضه با ارباب قدرت خود را بخطر می افکنده اند، همواره در مصائب عام، عارفان نیک نهاد، صوفیان باصفا و درویشان روشن روان، با مردم همدردی کرده اند، فداکاری ممشاد دینوری در دفع فتنه علان قزوینی سردار خونخوار مرداو بیج زیاری مشهور است.

از اینها گذشته، در بیان وحدت و توحید الهی، طریقه تکلم عرفا مفهومتر و مقبولتر از احتجاجات فلاسفه بوده و از این رو مکتب و اقوال آنها در تهذیب اخلاق و تعلیم حقایق اسلام تأثیری بسیار قوی داشت.

بدینگونه تعالیم صوفیه افق بصیرت مسلمانان را گشوده تر کرد و آنان را به تساهل و مسامحه و به ترک تعصب و غرور و عناد توجه داد، و درحقیقت تعالیم این مکتب بود که ترک مشاجرات بیفایده و توجه به صدق و اخلاص را لازمه نیل به سعادت فردی و اجتماعی شمرد.

این بودگوشه هائی از کتاب ارزش میراث صوفیه از محقق معاصر، آقای دکتر زرین کوب. حال که باگوشه های از مکتب عرفان، و عارف و صوفی و درویش و سالک، آشنا شدیم، بهتر است راه وصول بدین مقام را نیز اختصارا بررسی نمایم.

به عقیده اغلب بزرگان این مکتب، منبع معرفت واقعی قلب پاک است و بس، و معنی واقعی: «**من عرف نفسه فقد عرف ربه**» راهمین میدانند، و میگویند قلب انسان آینه ایست که جمیع صفات الهی باید در آن جلوه گر شود، و اگر این جلوه دردی ظاهر نگردیده است، علت آلودگی آینه است، لذا باید کوشید تا زنگار و غبار آینه دل را زدود، و آماده انعکاس جلای نور حق کرد، مولانا جلال الدین در این باره می گوید:

آینه ات دانی چرا غماز نیست زانکه زنگار از رخس ممتاز نیست
روتوزنگار از خود پاک کن بعد از آن، آن نور را ادراک کن

همانگونه که آینه فلزی چون زنگ بگیرد و غبار آلوده شود، انعکاس و حساسیت آن از میان میرود، حس روحانی باطنی هم که عرفا «دیده دل» و «دیده بصیرت» مینامند، چون به آلودگیهای مادی و مفساد دنیوی آغشته شود، دیگر نمی تواند از نور احدیت بهره گیرد، مگر آنکه آن غبار و آلودگی بکی از میان برود.

پاک شدن آینه قلب متوقف به فضل خداوند و نتیجه فیض الهی است، که در اصطلاح صوفیه «توفیق» گفته میشود. به عقیده عرفا مجاهدت و سعی در تکمیل نفس و تصفیه قلب نیز بر اثر فضل خداوند است و یک نوع توفیق. مولانا جلال الدین در دفتر چهارم مثنوی، در تفسیر آیه: «**وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ**» چنین میفرماید:

هر کسی ز اندازه روشن دلی غیب را بیند بقدر صیقلی
هر که صیقل بیش کرد او بیش دید بیشتر آمد بر او صورت صیقلی
گرتوگویی آن صفا فضل خداست نیز این توفیق صیقل زان عطاست
قدر همت باشد آن جهد و دعا لیس لالانسان الا ما سعی
واهب همت خداوند است و بس همت شاهی ندارد هیچ خس

باز عرفا را عقیده چنانست که از راه «کشف» مستقیما به معرفت خدامیتواند واصل شد، و این علم نتیجه عقل و منطق و درس و بحث و علوم رسمی سربسرقیل و قال نیست، بلکه بسته به اراده و فضل و توفیق خداوندی است که با آنانیکه خود مستعد اخذ معرفت و وصول بحقیقتند عنایت کرده است.

معرفت نور الهی است که به قلب سالک مستعد و قابل می تابد، و جمیع تعینات و قوای او را در شعله نورانی خود محو و مضمحل می سازد، این است که جنید بغدادی (رحمت خدا بر او باد) گفته است: «**مَنْ عَرَفَ اللَّهَ كُلَّ لِسَانَهُ**» و نیز محمد بن واسع می گویند: «**مَنْ عَرَفَ اللَّهَ قَلَّ كَلَامُهُ وَدَامَ تَحْيَرُهُ**».